



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# پرگی از فضائل شکافنده علوم

حسین صادقی

علی تقوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# برگی از فضائل شکافنده علوم علیه السلام

نویسنده:

حسین صادقی

ناشر چاپی:

نشریه مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... برگ‌گی از فضائل شکافنده علوم (علیه السلام)
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... شخصیتی بی نظیر
۷	..... موقعیت ممتاز علمی
۷	..... اعتراف دانشمند نصرانی به دانش امام
۸	..... رسوایی هشام
۸	..... پیشگویی رسول خدا
۸	..... پایه گذاری نهضت بزرگ علمی
۹	..... عبادت و زهد
۱۰	..... تواضع و حلم امام
۱۰	..... فعالیتهای سیاسی و تبلیغی
۱۰	..... اشاره
۱۱	..... مبارزه با اسرائیلیات
۱۱	..... مبارزه با دستگاه بنی امیه
۱۱	..... تبلیغ جایگاه اهل بیت
۱۲	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## برگی از فضائل شکافنده علوم (علیه السلام)

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۵۶۱۰

سرشناسه: صادقی، حسین

سرشناسه: تقوی، علی

عنوان و نام پدیدآور: برگی از فضائل شکافنده علوم / صادقی، حسین؛ تقوی، علی

منشأ مقاله: ، مبلغان، ش ۴۰، (صفر ۱۴۲۴ ه.ق.): ص ۸ - ۲۰.

توصیفگر: محمدبن علی (ع)، امام پنجم

توصیفگر: فضایل اخلاقی

توصیفگر: مناقب

### مقدمه

در سال ۵۷ هجری در شهر مدینه ستاره‌ای دیگر از ستارگان آسمان امامت و ولایت بدرخشید و با نور خود، عالم را منور نمود. نام او «محمد» و کنیه اش «ابوجعفر» بود که بعدها به «باقر» ملقب گشت. پدرش امام زین العابدین پیشوای چهارم شیعیان و مادرش «ام عبدالله» دختر امام حسن مجتبی بودند، از این جهت هم از نظر پدر و هم از نظر مادر فاطمی و علوی بوده است. آن حضرت در سال ۹۴ بعد از فوت پدر گرامی‌اش عهده‌دار مقام امامت و زعامت شیعیان جهان شد و در سال ۱۱۴ هجری در شهر مدینه رحلت نمود و در قبرستان بقیع در کنار قبر پدر و جدش به خاک سپرده شد. دوران پرفروغ امامت آن حضرت با برخی از خلفای بنی امیه مقارن بود که عبارتند از: ۱- ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) ۲- سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹) ۳- عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) ۴- یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵) ۵- هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵) این دوران گرچه با ظلم و فساد و خوشگذرانی و هوسرانی دستگاه خلافت بنی امیه همراه بود و امام علیه السلام در شرایط سخت و دشواری به تبلیغ احکام و مبانی اعتقادی اسلام می‌پرداخت، ولی نسبت به دوران زندگی دیگر ائمه علیهم السلام وضعیتی نسبتاً آرام داشت. در آغاز امامت آن حضرت که با حکمرانی ولید بن عبدالملک مقارن بود، دستگاه خلافت بنی امیه در صدد کشورگشایی و گسترش قلمرو حکومت خود بود، از این رو جامعه اسلامی در داخل با فشارهای سیاسی کمتری همراه بود، همچنین «سلیمان» برادر «ولید» در مدت کوتاه خلافت خود درهای زندانهای عراق را گشود و تمام زندانیان بی‌گناه را که «حجاج بن یوسف» در بند کشیده بود، آزاد ساخت، و بعد از این دو «عمر بن عبدالعزیز» در زمان خلافتش خدمات زیادی را انجام داد، از جمله خدمات او عبارتند از: مبارزه با تبعیض و فساد، ممنوع کردن سب علی علیه السلام که از زمان معاویه - لعنة الله علیه - رواج پیدا کرده بود، و برگرداندن فدک به خاندان اهل بیت علیهم السلام امام باقر علیه السلام از این موقعیت نهایت استفاده را برد و زیربنای یک جنبش عظیم علمی و فکری را پایه گذاری نمود که بعد از ایشان در زمان امامت امام صادق علیه السلام به تکامل رسید.

### شخصیتی بی‌نظیر

ائمه معصومین علیهم السلام در قله‌های رفیع فضیلت و کمال چنان می‌درخشیدند که در طول قرن‌ها چشمان تمام بشریت را خیره

کرده‌اند، از این رو دوست و دشمن با دیدن این کمالات و فضائل نسبت به آنان سر تعظیم فرود آورده‌اند و لب به تحسین گشوده‌اند که با مراجعه به کتب مورخین و سیره نویسان اعم از شیعه و سنی، اعتراف به عظمت آن بزرگواران به وضوح مشهود است. امام باقر علیه السلام نیز چنان عظمت معنوی خیره کننده‌ای داشتند که دانشمندان دیگر مذاهب را به تحسین وادار کرده است، از جمله ذهبی و صفدی از دانشمندان بنام اهل تسنن می‌نویسند: «وكان احد من جمع العلم والفقہ والديانۃ والثقة والسؤدد وكان يصلح للخلافۃ [امام باقر علیه السلام] از کسانی است که بین علم، فقه، دیانت، وثاقت و متانت جمع کرده و برای خلافت اهلیت داشته است».

### موقعیت ممتاز علمی

از ویژگیهای ممتاز امام باقر علیه السلام موقعیت ممتاز علمی ایشان در بین تمام دانشمندان آن زمان بود که با اظهار گوشه‌هایی از علم لدنی خود، ضعف و حقارت علوم اکتسابی و بشری را آشکار ساخت و تمام دانشمندان را مجذوب قدرت علمی خود نمود تا جایی که بزرگ‌ترین دانشمندان، خود را در مقابل عظمت علمی امام حقیر می‌شمردند. عبدالله بن عطاء می‌گوید: «ما رایت العلماء عند احد اصغر علما منهم عند ابی جعفر؛ دانشمندان را از نظر علمی نزد هیچ کس کوچکتر از آنها نزد ابی جعفر علیه السلام ندیدم». سپس اضافه می‌کند: «لقد رایت الحکم عنده کانه مغلوب وکان عالما نبیلا جلیلا فی زمانه؛ حکم [بن عیینه] را دیدم که نزد امام علیه السلام مغلوبی بیش نبود و حال آن که «حکم» عالم برجسته و بزرگی در زمان خود بود». و در بعضی متون نقل شده که او گفته است: «کانه صبی بین یدی معلمه؛ [در مقابل امام باقر علیه السلام انگار] «حکم» مانند کودکی دانش‌آموز نزد معلم خود بود». این ویژگی امام چنان برجسته بود که به لقب «باقر» یعنی شکافنده علوم مشهور گردید. مورخین در توضیح این لقب امام می‌نویسند: «سمی الباقر لانه بقر العلم ای شقه فعرف اصله وخفیه؛ محمد بن علی، باقر نامید شد به خاطر اینکه او علم و دانش را شکافت و اصل و باطن علم را شناخت».

### اعتراف دانشمند نصرانی به دانش امام

هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را از مدینه به شام تبعید کرد، امام علیه السلام در مدت حضور در شام، در میان مردم می‌نشست و سؤالات آنان را پاسخ می‌داد. روزی مشاهده نمود که عده‌ای از مسیحیها به بالای کوهی می‌روند، امام فرمود: این گروه به کجا می‌روند؟ مردم پاسخ دادند: آنها در هر سال یک روز به نزد دانشمند خود می‌روند و سؤالاتشان را از او می‌پرسند. امام علیه السلام از علم و دانش او پرسید، مردم در پاسخ عرض کردند: او عالم‌ترین آنهاست. آن حضرت به اتفاق اصحاب‌اش همراه با مسیحیها به بالای کوه رفتند. وقتی نزد آن عالم مسیحی رسیدند از امام پرسید: آیا تو از ما مسیحیها هستی یا از امت مرحومه (مسلمانان)؟ امام فرمودند: از امت مرحومه هستم. پس پرسید؟ آیا از دانشمندان آنان هستی یا از جاهلین آنها؟ امام فرمود: از جاهلین آنها نیستم. پس آن مسیحی رو به امام عرض کرد: آیا می‌پرسی یا بپرسم؟ امام فرمود: پرس. هر سؤالی که نصرانی پرسید، امام علیه السلام جوابش را بیان فرمود، از جمله این سؤال را پرسید که: دو برادر در یک زمان متولد می‌شوند و در یک ساعت می‌میرند و در قبر واحدی دفن می‌شوند ولی یکی از آنان ۱۵۰ سال عمر کرده و دیگری ۵۰ سال، این دو برادر چه کسانی هستند؟ امام فرمود: این دو برادر «عزیر» و «عزره» هستند که سی سال با هم زندگی کردند، پس به امر خدا «عزیر» صد سال مرد ولی «عزره» زندگی می‌کرد، پس خداوند «عزیر» را زنده کرد و بیست سال با هم زندگی کردند و با هم از دنیا رفتند. در این لحظه بود که دانشمند نصرانی رو به مسیحیها کرد و گفت: «ما رایت احدا قط اعلم من هذا الرجل؛ هرگز احدی را عالم‌تر از این مرد ندیده‌ام». «لا تسالونی عن حرف وهذا بالشام؛ تا زمانی که این مرد در شام است در مورد هیچ حرفی از من سؤال نکنید».

## رسوایی هشام

روزی ابرش کلبی از هشام بن عبدالملک پرسید: «من هذا الذی احتوشته اهل العراق یسالونه؛ این شخص کیست که مردم کوفه او را در میان گرفته و سؤالات خود را از او می‌پرسند؟» هشام در پاسخ گفت: «هذا نبی الکوفه وهو یزعم انه ابن رسول الله و باقر العلم و مفسر القرآن؛ او پیامبر کوفه است و خود را پسر رسول خدا و شکافنده علم و مفسر قرآن می‌داند». سپس گفت: ای ابرش برو و از او سؤالی بپرس که پاسخ آن را بلد نباشد، ابرش همچنین کرد، ولی هر سؤالی که پرسید، امام بلافاصله پاسخی دقیق برایش بیان نمود، او که از احاطه علمی امام بهت زده شده بود، بلند شد در حالی که به آن حضرت می‌گفت: «انت ابن بنت رسول الله حقا؛ تو به حق پسر دختر رسول خدا هستی». سپس به نزد هشام آمد و گفت: «دعونا منکم یا بنی امیه فان هذا اعلم اهل الارض بما فی السماء والارض، فهذا ولد رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ما را رها کنید ای بنی امیه، همانا این شخص عالمترین اهل زمین نسبت به آنچه در آسمان و زمین است می‌باشد، پس او فرزند رسول خداست که صلوات خداوند بر او و آل او باد».

## پیشگویی رسول خدا

پیشگویی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد امام باقر علیه السلام برای جابر بن عبدالله انصاری و اینکه جابر در اواخر عمر توفیق زیارت امام باقر علیه السلام نصیبش خواهد شد، بسیار معروف است که به صورتهای مختلفی نقل شده و خود جابر هم در مناسبتهای مختلفی این پیشگویی را برای مردم بیان کرده است که به یک مورد از آنها اشاره می‌کنیم: نقل شده که جابر بن عبد الله در مسجد رسول خدا می‌نشست و فریاد می‌زد: «یا باقر، یا باقر العلم» اهل مدینه می‌گفتند: جابر هزیان می‌گوید، جابر پاسخ می‌داد: به خدا قسم من هزیان نمی‌گویم، از رسول خدا شنیدم که فرمود: «انک ستدرک رجلا من اهل بیتی، اسمه اسمی و شمائله شمائلی، یبقر العلم بقرا؛ ای جابر مردی از اهل بیت من را درک می‌کنی که اسم او همانند اسم من است و شمائل و شکل او همانند شمائل من است، او علم را می‌شکافد، شکافتنی». پس جابر می‌گفت: این فرمایش رسول خداست که مرا به این کار وادار کرده است. روزی جابر، امام باقر علیه السلام را در حالی که خردسال بود مشاهده کرد، عرض کرد: ای پسر! روی خود را به سوی من کن، امام علیه السلام به سوی او برگشت. سپس عرض کرد: قسم به آن که جانم در دست اوست، شمائل و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله در این جوان است. از او پرسید: اسم تو چیست؟ امام فرمود: «اسمی محمد؛ اسم من محمد است». جابر پرسید: فرزند چه کسی هستی؟ فرمود: فرزند علی بن الحسین علیهما السلام هستم، سپس عرض کرد: «یا بنی فدتک نفسی انت الباقر؟؛ جانم فدای تو باد، آیا تو باقر هستی؟ امام فرمود: آری. جابر سر مبارک امام را بوسید و گفت: «بابی انت وامی، ابوک رسول الله یقرئک السلام؛ پدر و مادرم به فدایت، پدرت رسول خدا به تو سلام می‌رساند». امام علیه السلام فرمود: «علی رسول الله السلام ما قامت السماوات والارض وعلیک السلام یا جابر بما بلغت السلام؛ سلام بر رسول خدا مادامی که آسمانها و زمین پابرجاست و سلام بر تو ای جابر بخاطر سلامی که رساندی». سپس جابر عرض کرد: «انت الباقر حقا، انت الذی تبقر العلم بقرا؛ تو به حق باقر هستی، تو کسی هستی که علم را حقیقتا می‌شکافی».

## پایه گذاری نهضت بزرگ علمی

سه عامل بسیار مهم سبب شده بود تا ائمه قبل از امام باقر علیه السلام نتوانند آن گونه که شایسته آنها است علوم خود را گسترش دهند و قوانین حیات بخش اسلام را به صورت کامل برای مردم بیان کنند. این عوامل عبارتند از: الف) اوضاع سیاسی: در زمان امامت ائمه پیش از امام باقر علیه السلام تبلیغات سوئی بر علیه خاندان عترت و طهارت صورت می‌پذیرفت، چنان که به دستور



معاویه - لعنة الله عليه - بر منابر به امیرالمؤمنین علی علیه السلام دشنام می‌دادند و چنان بر علیه این خاندان دروغ‌پردازی می‌کردند که بعد از شهادت آن حضرت در محراب نماز، مردم در خارج از کوفه گفتند: مگر او نماز هم می‌خوانده است. علاوه بر این روابط مردم با این خاندان تحت کنترل شدید حکام بنی امیه بود و پیروان آنان دستگیر و سپس شکنجه و زندانی می‌شدند و یا به قتل می‌رسیدند، از این رو شرایط به گونه‌ای بود که تبیین احکام و مبانی اسلامی توسط ائمه به آسانی ممکن نبود. (ب) منع کتابت و نقل حدیث: بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام، خلفا و حاکمان، به بهانه حفظ قرآن و مخلوط نشدن آیات الهی با احادیث نبوی و با شعار «کفانا کتاب الله؛ کتاب خدا ما را کفایت می‌کند»، از نوشتن و نقل احادیث به شدت ممانعت می‌کردند و هر کس که حدیثی را نقل می‌کرد او را توییح می‌کردند، حتی خلیفه دوم احادیثی را که نوشته شده بود جمع‌آوری کرد و آنها را سوزاند. این امر سبب شد که ائمه نتوانند سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مردم بیان کنند. این دستور در زمان امام باقر علیه السلام توسط «عمر بن عبد العزیز» لغو شد و لذا آن حضرت فرصت یافت تا به احیای سنت نبوی پردازد. (ج) جهل و نادانی مردم: این عامل سبب شده بود که مردم از چراغهای فروزنده و روشنی بخش بی‌بهره بمانند به حدی که وقتی حضرت علی علیه السلام فرمودند: «فاسألونی قبل ان تفقدونی؛ قبل از اینکه مرا از دست بدهید هر چه می‌خواهید از من سؤال کنید»، سعد بن ابی وقاص گفت: بگو موهای ریش من چقدر است. این جهل و نادانی حسرت تمام اندیشمندان جهان را برانگیخته است که ای کاش ما مخاطب چنین شخصیت بزرگی بودیم و از محضر او بهره‌مند می‌شدیم. اما در زمان امام باقر علیه السلام که اوضاع سیاسی کمی آرامتر شده بود و کتابت و نقل حدیث آزاد شده و مردم تا حدودی به ماهیت پلید حکام بنی امیه پی بردند، آن حضرت بزرگ‌ترین نهضت علمی جهان اسلام و تشیع را بنا نهادند و عالم اسلام را از علوم سرشار خود سیراب ساختند. در این عصر بود که تدوین فرهنگ شیعه شامل فقه، تفسیر و اخلاق آغاز شد. این رشد علمی موجب شد که درباره امام باقر علیه السلام گفته شود: «ولم یظهر من ولد الحسن والحسین من العلوم ما یظهر منه من التفسیر و الکلام و الاحکام و الحلال و الحرام؛ آنچه از دانشهایی همچون تفسیر، کلام، احکام و حلال و حرام از امام باقر علیه السلام ظاهر گشت از هیچ یک از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام ظاهر نگردید». از این رو رجال و شخصیت‌های بزرگ علمی آن روزگار از محضر امام باقر علیه السلام کسب فیض می‌کردند و شاگردان زیادی در این دانشگاه بزرگ اسلامی تربیت یافتند. شخصیت‌هایی همچون «جابر بن یزید جعفی»، «کیسان سجستانی»، «ابن مبارک»، «زهری»، «اوزاعی»، «هشام ابن حکم»، «هشان ابن سالم» و حتی برخی از بزرگان اهل سنت مانند «ابو حنیفه»، «مالک» و «شافعی» از آثار علمی آن حضرت بهره‌مند شده و سخنان ایشان را بی‌واسطه و گاه با چند واسطه نقل نموده‌اند. همچنین علاوه بر مورخین و محدثین شیعه، بسیاری از مورخین و علمای اهل سنت همچون طبری، بلاذری، خطیب بغدادی، ابو نعیم اصفهانی و زمخشری، سخنان در بار آن امام بزرگ را بیان نموده‌اند و در کتب آنها جمله: «قال محمد بن علی» و یا «قال محمد الباقر» فراوان دیده می‌شود.

## عبادت و زهد

از ویژگی‌های بارز و فضائل اخلاقی امام باقر علیه السلام کثرت عبادت و همچنین زهد و بی‌رغبتی به دنیا بود. مورخین در مورد کثرت عبادت آن حضرت نوشته‌اند: «ان ابا جعفر کان یصلی فی الیوم و اللیلة مائة و خمسين رکعة؛ همانا ابا جعفر (امام باقر) در طول شبانه روز ۱۵۰ رکعت نماز می‌خواند». این موضوع موجب شده بود که برخی مشهور شدن آن امام به «باقر» را علاوه بر وسعت علم، به خاطر کثرت سجود بدانند؛ چنان که سبط بن جوزی از علمای اهل سنت می‌گوید: «انما سمی الباقر من کثرة سجوده، بقر السجود جهته، ای فتحها؛ همانا آن حضرت به سبب کثرت سجود، باقر نامیده شد و کثرت سجود پیشانی آن حضرت را شکافته بود». از دیگر سجایای اخلاقی آن امام همام، کثیر الذکر بودن ایشان بود، چنان که لحظه‌ای یاد خدا و ذکر حق را ترک نمی‌کرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «وکان ابی علیه السلام کثیر الذکر، لقد کنت امشی معه وانه لیذکر الله و آکل معه

الطعام وانہ لیذکر اللہ؛ پدرم کثیر الذکر بود، هنگامی که با او راه می‌رفتم، ذکر خدا می‌گفت و در هنگامی که با او غذا می‌خوردم، ذکر خدا می‌گفت». همچنین آن حضرت هیچ رغبتی به امور دنیوی نداشته و تمام وجود خود را معطوف پروردگار خویش می‌ساخت و پیوسته شیعیان را نسبت به زهد و پارسایی آگاهی می‌داد. آن حضرت در یکی از سفارشات اخلاقی خود به جابر جعفی می‌فرماید: «یا جابر من دخل قلبه صافی دین الله عزوجل، شغله عما سواه، یا جابر ما الدنیا؟ وما عسی ان تکون؟ هل هی الا مرکبا رکبته؟ او ثوبا لبسته، ان المؤمنین لم یطمئنوا الی الدنیا لبقاء فیها ولم یامنوا قدوم الآخرة علیهم ولم یصمهم عن ذکر الله ما سمعوا بآذانهم من الفتنة ولم یعمهم عن نور الله ما راوا باعینهم من الزینة ففازوا بثواب الابرار، ان اهل التقوی ایسر اهل الدنیا مؤونة واكثرهم لک معونة؛ ای جابر! هر کس که دین بدون پیرایه خداوند عزوجل در قلبش داخل شود، او را از غیر خدا مشغول می‌سازد. ای جابر! دنیا چیست؟ و چه چیز می‌تواند باشد؟ آیا جز مرکبی است که بر او سوار شده‌ای؟ یا لباسی که آن را پوشیده‌ای؟ همانا مؤمنین به دنیا برای باقی ماندن در آن اعتماد نمی‌کنند، و از آمدن آخرت، خود را ایمن نمی‌دانند و فتنه‌هایی که می‌شنوند گوشه‌های آنان را از شنیدن ذکر حق کر نکرده است و زینتهای دنیائی که می‌بینند چشمشان را از دیدن نور خدا کور نکرده است، پس به ثواب ابرار نایل آمده‌اند. همانا اهل تقوی از همه کم‌مؤونه‌تر هستند و برای تو کمک کارترین می‌باشند».

### تواضع و حلم امام

غالب انسانها به گونه‌ای هستند که به مجرد اینکه حظی از دانش آموختند، خود را برتر از دیگران می‌بینند و خودبینی و غرور وجود آنها را فرا می‌گیرد، ولی اولیاء الهی و سرآمد آنها ائمه معصومین علیهم السلام با آنکه علوم فراوانی داشتند، نسبت به تمام اقشار مردم تواضع نشان می‌دادند. آری همیشه این گونه است که علم و دانش در صورتی که ناقص باشد، باعث هلاکت انسان می‌شود ولی ائمه علیهم السلام که اعلم مردم‌اند، در حلم و تواضع سرآمد دیگران بودند. امیر بیان، علی علیه السلام در وصف آل محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هم عیش العلم وموت الجهل یخبرکم حلمهم عن علمهم؛ آل محمد مایه حیات علم و دانشند و باعث مرگ نادانی، حلم ایشان شما را از دانش و علم آنها آگاه می‌سازد». امام باقر علیه السلام که در علم و دانش شهره آفاق بود، در حلم و تواضع نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده بود و به حق این فرمایش پیامبر گرامی اسلام را جامه عمل پوشانده بود که: «والذی نفسی بیده ما جمع شیء الی شیء افضل من حلم الی علم؛ قسم به کسی که جانم در دست اوست، چیزی با چیز دیگری بهتر از جمع شدن حلم با علم جمع نشده است». روزی شخصی نصرانی رو به امام کرد و با وقاحت تمام گفت: «انت بقر» ولی امام علیه السلام با کمال آرامش فرمود: «لا انا باقر؛ نه، من باقر هستم». نصرانی گفت: «تو فرزند آن مادری هستی که آشپز بود». امام علیه السلام در جواب فرمود: «تلك حرفتها؛ آشپزی حرفه ایشان بوده است». سپس آن نصرانی با کمال بی‌شرمی گفت: تو فرزند کنیز سیاه بدزبان هستی. امام علیه السلام فرمود: «ان كنت صدقت غفر الله لها وان كنت کذبت غفر الله لک؛ اگر تو راست می‌گویی خداوند او را ببخشد و اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را ببخشد». آن نصرانی وقتی چنین برخوردی را از امام دید از رفتار خود پشیمان شده و مسلمان شد. نکته بسیار مهمی که از این داستان می‌توان آموخت این است که ما شیعیان باید این گونه فضائل اخلاقی را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم و با پیروی از آن امام بزرگوار و با اخلاق نیکو، دیگران را به اسلام و تشیع خوشبین سازیم.

### فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی

احاطه و آگاهی نسبت به شرائط زمانی و مکانی عنصری تعیین کننده در رفتارهای انسانهای آگاه است. امام باقر علیه السلام که مافوق زمان و مکان بود، با در نظر گرفتن نیازهای زمان و فراهم بودن زمینه‌های لازم، به ترویج و تبلیغ دین، تذکیر نفوس و تعلیم و تربیت انسانها می‌پرداخت. در این نوشتار به سه نمونه از فعالیتهای آن حضرت اشاره می‌کنیم:

### مبارزه با اسرائیلیات

بعد از پیروزی اسلام، برخی از پیروان دیگر ادیان برای حفظ منافع خود اظهار اسلام کردند ولی در باطن مسلمان نبودند و عقائد خود را پنهان می‌کردند، از جمله آنان می‌توان به «کعب الاحبار» و «عبدالله بن سلام» اشاره کرد، این افراد از آنجا که از حمایت خلفا هم برخوردار بودند مرجعیت علمی قشری از مردم ساده لوح را بر عهده داشتند و حتی برخی از علماء بزرگ اهل سنت از آنها مطالب زیادی را نقل کرده‌اند. از جمله فعالیتهای این گروه این بود که افکار و خرافات و اسرائیلیات یهودیت را در قالب روایات اسلامی جعل کرده و وارد دین اسلام می‌کردند، از این رو ائمه علیهم السلام با این حرکت خزنده و خطرناک به شدت مقابله نمودند. برای نمونه برخی یهودیان از جمله «کعب الاحبار» می‌کوشیدند، برتری بیت المقدس بر کعبه را به مسلمانان بقبولانند، از این رو احادیث جعلی در این زمینه را رواج می‌دادند. روزی امام باقر علیه السلام نشسته بود و فرمود: نگاه کردن به خانه خدا عبادت است، در آن حال شخصی از قبیله «بجیله» به نام «عاصم بن عمر» نزد امام آمد و گفت: کعب می‌گوید: «ان الکعبه تسجد لبیت المقدس فی کل غداء؛ کعبه هر صبحگاه برای بیت المقدس سجده می‌کند». امام علیه السلام از آن شخص که مجذوب کعب شده بود پرسید: نظر تو در مورد این سخن چیست؟ آن شخص عرض کرد: سخن کعب صحیح است. امام فرمود: تو و کعب الاحبار هر دو دروغ می‌گویید. آنگاه در حالی که به شدت ناراحت بود فرمود: «ما خلق الله عزوجل بقعه فی الارض احب الیه منها؛ خداوند مکانی محبوبتر از کعبه در روی زمین نیافرید».

### مبارزه با دستگاه بنی امیه

یکی دیگر از شیوه‌های مبارزاتی آن حضرت این بود که مسلمانان را از وضع نابسامان و وحشتناک سیاسی آن زمان آگاه می‌ساخت و در مناسبتهای مختلف، فساد و ظلم بنی امیه را آشکار می‌نمود و مردم را از داشتن کوچکترین مقامی در حکومت منع می‌کرد. «عقبه بن بشیر اسدی» (یکی از شیعیان) نزد امام باقر علیه السلام آمد و گفت: «عریف» قبیله ما مرده است و افراد قبیله می‌خواهند مرا جای او برگزینند، نظر شما در این مورد چیست؟ امام در جواب فرمودند: «فان کنت تکره الجنه و تبغضها فتعرف علی قومک؛ اگر از بهشت بدت می‌آید و آن را دوست نداری، عریف قوم خود باش». سپس فرمود: «یاخذ السلطان بامرء مسلم یسفک دمه فتشکره فی دمه و عسی ان لا- تنال من دنیاهم شیء؛ حاکم، مسلمانی را گرفته و خون او را می‌ریزد و تو در خون او شریک آنان خواهی بود و چه بسا از دنیایشان هم چیزی به دست نیاید». آن حضرت حتی در برخی اوقات مسلمانان را به اعتراض بر حکام تشویق می‌نمودند. در روایتی از ایشان نقل شده که فرمودند: «من مشی الی سلطان جائر فامرہ بتقوی الله و وعظه و خوفه کان له مثل اجر الثقلین من الجن والانس و مثل اجورهم؛ کسی که نزد سلطان ظالمی رود و او را به تقوای الهی دعوت کرده و موعظه نماید و [از قیامت] بترساند، برای او پاداشی همچون پاداش جن و انس خواهد بود».

### تبلیغ جایگاه اهل بیت

آن حضرت همان طور که مردم را از پیروی حاکمان ظلمت و تاریکی برحذر می‌داشتند، ایشان را به سوی اهل بیت عصمت و طهارت فرا می‌خواندند و در مناسبتهای مختلف و با بیانات گوناگون، عظمت و بزرگی اهل بیت را بیان می‌کردند. روزی در حضور

هشام به مردم فرمودند: «ایها الناس، این تذهیون و این یراد بکم؟ بنا هدی الله اولکم و بنا ختم آخرکم؛ ای مردم، کجا می‌روید و به کجا رانده می‌شوید؟ خداوند اولتان را به وسیله ما هدایت کرد و سرانجام کار شما را به ما پایان بخشید». پس از پایان سخنان امام، هشام دستور داد ایشان را دستگیر و زندانی کردند. در زندان، دیگر زندانیها شیفته آن حضرت شدند و از این رو هشام دستور داد که امام را به مدینه بازگردانند.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

